

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه اول

ایمان ۱

"وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" اطاعت کنید از الله و از پیامبر، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید. خب اطاعت از خدا با اطاعت از پیغمبر تفاوتی ندارد؛ به چه مناسبت می فرماید که اطاعت کنید از خدا و اطاعت کنید از پیامبر؟ هر دو تا را با هم زائد نیست ذکر کردنش؟ نه. اگر نمی گفت پیامبر را، دشمنان پیامبر هم می گفتند ما مطیع خداییم. لذا بایستی مشخص بشود که اطاعت خدا یعنی چه. آن کسانی که خود را بندهی خدا می دانند اما بنده فرمان قانون خدا نیستند، عمل به قانون نمی کنند، ملتزم به لوازم این بندگی نیستند، این ها چطور می توانند بگویند ما بنده خداییم؟!

"اطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ" اطاعت کنید خدا را و رسول را، "لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" شاید مورد رحم پروردگار قرار گیرید. یعنی چه اطاعت کنید خدا را... اطاعت خدا به چیست؟ به این که تمام تکالیف الهی را بر دشمنان حمل کنیم، آنچه را که بر عهده ما نهاده شده است، انجام دهیم. به قول آیه شریفه قرآن؛ می فرماید: «مومنین آن کسانی هستند که وقتی میان آنان مشاجره ای به وقوع می پیوندد، به تو - ای پیامبر - رجوع می کنند، مراجعه می کنند و چون تو حکمی صادر کردی، "ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ" دستوری که تو صادر کردی، کمترین غبار کدورتی هم بر روح آن ها و دل آن ها بر جای نمی گذارد. "وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا" تسلیم فرمان تو آند».

این جور مومن واقعی ست. اگر این جور بود یک ملتی، یک امتی، اگر یک عده جمعیت به این صورت تحت فرمان خدا قرار گرفتند، آن وقت است که رحمت پروردگار و لطف بی نهایت او شامل حال آنان خواهد شد. آن وقت است که یک امت به آقایی می رسد. آن وقت است که یک ملت به رشد انسانی می رسد. آن وقت است که اسارت ها و زنجیرها از دست و پای او باز می شود. آن وقت است که رحمت الهی شامل حال او می شود. "وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ" میدان مسابقه است اینجا. میدان پیشگیری

و مسارعه است. پیشی بجوئید، سبقت بجوئید، "إِلَى مَغْفِرَةٍ" به سوی مغفرتی "مِنْ رَبِّكُمْ" از سوی پروردگارتان. "وَجَنَّةٍ" و بهشتی که "عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ"، که به پهنای آسمانها و زمین است. "أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ" آماده شده است برای باتقویان.

دین نمی گوید نیروهایت را متوقف بگذار! دین می گوید سرعت بگیر هرچه بیشتر، مسابقه بده هرچه زیادت، اما به سوی چه؟ به سوی چیزی که شایسته توست، نه به سوی یک وجب آب و گل، نه به سوی فلان مبلغ ناچیز، نه به سوی زندگی مادی دنیا که هرچه باشد برای تو کوچک و کم است، ای انسان بزرگ! به سوی چیزی که با عظمت تو، با مقام تو سازگار باشد که انسان، عالی ترین موجودات این جهان است. بزرگ ترین عظمت های وجود، بعد از پروردگار، در همین کالبد کوچک و محدود است. ای انسان بزرگ! سرعت بگیر، مسابقه بده اما به سوی چه؟ "إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ" سرعت به سوی مغفرت پروردگار باشد، به سوی آن بهشت برین الهی باشد، که همه آسمانها در مقابل او کوچکنند، همه ی زمین در برابر او اندک است.

روح شما اگر در مقام تمثیل مانند جسمی باشد، هر گناهی که انجام می دهید، ضربتی بر روح وارد می کند و زخمی به وجود می آورد. چرا آقا؟ چرا می گوئیم گناه ضربت بر روح است؟ برای خاطر این که روح باید تعالی پیدا کند و گناه هر آن چیزی است که روح انسانی را یک گام از تعالی و تکامل مورد نظرش باز می دارد. در مقام مثل و تشبیه، می شود همین زخم زدن؛ همین شکاف را بر پیکره ی روح تو به وجود آوردن، این گناه که شد، این نقیصه انجام گرفت.

شما مال مردم خوردید، خدای نخواست، آنی که شرب خمر کرد، آنی که ربا خورد، آنی که زنا کرد، آنی که دروغ گفت، آنی که افترا گفت، هر یک از این کارها یک شکافی به روحش، به پیکره روانش وارد آمد. این روح او زخمی شد، ناقص شد، از کمال که غایب الامال است، دور افتاد. حالا باید مغفرت پیدا کند. غفران یعنی چه؟ غفران یعنی این خلأ، این کمبود روح، این زخم روان، این نقیصه ای که در نفس او به وجود آمده است، این برطرف شدن. این را می گویند غفران. چطور برطرف می شود؟ چطور برطرف می شود آن نقیصه ای که در روح تو از سوی گناه به وجود آمده؟ با جبران کردن. آن کسی که با یک گناهی جان خود را از اوج انسانیت و تکامل و نقطه پرواز انسانی به قدری منحط کرده و دور انداخته، آن وقتی این عقب ماندگی اش جبران شده است که یک مقداری برود بالا.

چه کسانی هستند باتقویان؟ "الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ" آن کسانی که انفاق می‌کنند در خوشی و ناخوشی. انفاق یک شرط باتقوا بودن است. انفاق کردن! انفاق خرج کردن است اما نه هر خرج کردنی! انفاق آن خرج کردنی را می‌گویند که با آن یک خلایی پر بشود؛ یک نیاز راستینی برآورده بشود.

"وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ" و فروبرندگان خشم. فروبرندگان خشم یعنی چه؟ یعنی بر اساس احساسات کار نمی‌کنند. همه جا عقل اما گاهی عقل هم با خشم‌های درست همراه است. نمی‌بینید در قرآن می‌گوید: "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ". اینی که می‌گویند "وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ" معنایش این نیست که شما خیال کنید می‌خواهیم بگوییم خشم یک ملت، خشم یک انسان، خشم یک جامعه، علیه آن کسانی که باید بر آنان خشم گرفت؛ نیست و نابود باد! نه، قرآن هم نمی‌گوید که این خشم‌ها را فروبخورید، می‌گوید بر اساس خشم کاری انجام نده. "وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ" کظم‌کنندگان، فروبرندگان... فراموش‌کنندگان نه! فروبرندگان غیظ و خشم، که وقتی خشم فرونشست انسان می‌تواند با عقل، با درک، آنچه را که شایسته است، انجام دهد.

"وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ" گذرندگان از مردم، عفوکنندگان از خطاهای مردم، از اشتباهات مردم، از خطاهای مردم، از گناهان مردم، از لغزش‌های مردم باید گذشت، باید صرف‌نظر کرد. از آن گناهی نباید صرف‌نظر کرد که لغزش نبوده است. خدا هم از یک چنین گناهی مشکل صرف‌نظر نکند. از آن عمل خلافی نباید صرف‌نظر کرد که از روی تعمد و عناد انجام گرفته است. اما لغزش‌ها، قصورها که در کار عامه مردم فراوان هست، قابل گذشت کردن و عفو کردن است. "وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ، وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" و خدا دوست می‌دارد مردمان احسان‌کننده را.

دیگر از نشانه‌های باتقواها چیست؟ "وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ" آن کسانی که چون کار گناه بزرگی انجام دهند یا بر خویشان ستم کنند، "أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ" بر نفس‌های خود ظلم روا بدارند، "ذَكَرُوا اللَّهَ" فوراً به یاد خدا بیافتند. "فَسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ" پس طلب غفران و مغفرت می‌کنند برای گناهانشان. در جستجو می‌آیند که این گناه، این خلأ التیام پیدا کند. اما همین هم بدون کمک پروردگار ممکن نیست. "وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ" و که غفران مغفرت می‌بخشد گناهان را جز خدا؟! تلاش از تو، حرکت از تو و برکت از خدا. تلاش و کوشش از ما و قبول از خدای ما. پس تلاش را از پرونده خودمان حق نداریم حذف کنیم.

"وَلَمْ يُسِرُّوا عَلَيَّ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ" بر آن چه که می‌دانند گناه است، اصراری نوزند. "اولئِكَ جَزَائُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ" این چنین کسانی که از تلاش و کوشش باز نمی‌ایستند، استغفار می‌کنند، برای گناهان، اصرار نمی‌کنند، نمی‌ورزند در راه خطا و خلاف، یک چنین آدمی پاداششان مغفرت از سوی پروردگارشان است. "وَجَنَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ" و بهشت‌هایی که در زیر آن نهرها جاری است. "خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ" در آن جاودانه‌اند و چه نیکو پاداش عمل‌کنندگان است.

پایان

تهیه شده در طرح تبیین منظومه فکری رهبری